

تأثیر جنسیت بر مفهوم‌سازی استعاری در روایت‌های زنانه و مردانه از جنگ تحمیلی

زهرة شهرستانی^۱، سید علی اصغر سoltانی^{۲*}، سید عبدالمجید طباطبایی لطفی^۳

۱. دانشجوی دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۳

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

The Effect of Gender on Metaphorical Conceptualization in Female and Male Narratives of the Imposed War

Zohreh Shahrestani¹, Seyyed Ali Asghar Soltani^{2*}, Seyyed Abdolmajid Tabatabaee³

1. Ph.D. Candidate in Linguistics, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran

2. Associate Professor of Linguistics, Baqir al-Olum University, Qom, Iran

3. Assistance Professor of Linguistics, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran

Received: 2021/11/09

Accepted: 2021/12/24

10.30473/jl.2023.61578.1496

Abstract

The representation of gender in male and female narratives and the use of conceptual metaphors and the schemas used by them in narratives have differences that indicate mental, spiritual, and cognitive differences. The purpose of this study is to examine the narratives of male and female authors to determine the extent of gender influences in the use of conceptual metaphors and schemas based on the theory of Lakoff and Johnson (1980). The research method of the article is qualitative content analysis. Eight war-themed stories, including four female- and four male narratives, were examined, resulting in about 3,021 metaphors. The results obtained from data analyses showed that in the works of female writers, the highest number of metaphors is related to ontological metaphor and the lowest is related to directional metaphor, while in the works of male narrators, the highest number of metaphors were structural and the lowest were directional. This difference in the use of metaphors in women compared to men indicates their attitude and ability or desire to objectify abstract concepts. The results of the research show that the above method can be a suitable method for narrative analyses from the point of view of critical analyses of metaphor in the literature of Holy Defense, because schemas, on the one hand, represent linguistic constructions and, on the other hand, indicate the formation of mental images as a result of conceptualization.

Keywords: Conceptualization, Schema, Ontological Metaphor, Structural Metaphor, Directional Metaphor, Gender, Sociolinguistics.

چکیده

بازنمایی جنسیت در روایت‌های زنانه و مردانه و کاربرد استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های مورد استفاده آن‌ها در روایت‌ها تفاوت‌هایی دارد که نشان از تفاوت‌های ذهنی، روحی و شناختی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی روایت‌های نویسندگان زن و مرد برای تعیین میزان تأثیر جنسیت بر به‌کارگیری استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌ها بر مبنای نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) است. روش پژوهش مقاله تحلیل محتوای کیفی است. هشت داستان با مضمون جنگ، چهار روایت زنانه و چهار روایت مردانه مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت حدود ۳۰۲۱ استعاره بدست آمد. نتایج به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان داد در آثار نویسندگان زن، بیشترین تعداد استعاره‌ها هستی‌شناختی و کمترین استعاره جهتی، و در آثار راویان مرد بیشترین تعداد استعاره‌ها ساختاری و کمترین آن‌ها جهتی بود که این تفاوت در به‌کارگیری نوع استعاره در زنان نسبت به مردان حاکی از نوع نگرش آن‌ها و توانایی و یا تمایل بیشتر در به‌عینیت درآوردن مفاهیم انتزاعی است. نتایج پژوهش گویای آنست که روش فوق می‌تواند روش مناسبی برای تحلیل روایت از منظر تحلیل انتقادی استعاره در ادبیات دفاع مقدس باشد، زیرا طرح‌واره‌ها از یکسو نشان‌دهنده ساخت‌های زبانی و از سوی دیگر نشان‌دهنده شکل‌گیری تصاویر ذهنی در نتیجه مفهوم‌سازی‌اند.

کلیدواژه‌ها: مفهوم‌سازی، طرح‌واره، استعاره هستی‌شناختی، استعاره ساختاری، استعاره جهتی، جنسیت، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Seyyed Ali Asghar Soltani

Email: aasultani@yahoo.com

* نویسنده مسئول: سید علی اصغر سoltانی

مقدمه

الگوبرداری یا نگاهت نظام‌مند بین حوزه‌های مفهومی یعنی دو حوزه مبدأ و مقصد است در نتیجه، مدلی دو حوزه‌ای است که شامل حوزه مقصد، حوزه‌ای انتزاعی یا دور از تجربه آگاهانه، و حوزه مبدأ، در حیطه تجربیات محسوس بشری است. «استعاره الف ب است» را به‌عنوان یک قاعده در نظر بگیرید. در اینجا، یک حوزه مقصد انتزاعی و پیچیده یعنی الف با استفاده از حوزه عینی تر ب درک می‌شود؛ حوزه ب ساختاری ساده‌تر دارد و برای تجربه حسی راحت‌تر است. ادعای نظریه استعاره این است که استعاره ویژگی مفاهیم است و نه واژه‌ها، و کارکرد استعاره درک بهتر مفاهیم خاصی است (کوچش ۴، ۲۰۱۰: ۲۹).

ادبیات داستانی، به‌عنوان بخشی از پیکره زبان فارسی، درخور مطالعه و پژوهش جدی است. در هر داستان، عناصر و زوایای مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرد که از منظر نقد ادبی بسیار درخور توجه است. از این موارد می‌توان به تحلیل گفتمان، لحن، زاویه دید، شخصیت، گفتگو، لحن، جنسیت نویسنده و راوی، زبان‌شناسی و معناشناختی در اجزای داستان، طرح‌واره‌ها و استعاره‌های موجود در داستان اشاره کرد. یکی از ارزشمندترین تلاش‌هایی که زبان‌شناسی شناختی به‌عنوان یکی از مهمترین شاخه‌های علوم شناختی انجام داده آن است که به تاسی از روش‌های پژوهشی در زبان‌شناسی اجتماعی، لایه‌های شناختی، به‌خصوص استعاره‌ها و طرح‌واره‌ها را در گروه‌های طبقاتی، سنی، جنسیتی، تحصیلی و غیره مورد بررسی قرار می‌دهد تا از این رهگذر و با نگاهی تطبیقی به درک جهان‌بینی این گروه‌ها از پدیده‌های اطراف دست یابد. در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل سنتی زبان‌شناسان تحلیل متن، دیگر صرفاً با عناصر لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا سروکار نداریم؛ بلکه به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توجه داریم (فرکلاف ۵، ۱۹۸۹). هرکاری که به‌طور روزمره انجام می‌دهیم، از مرتب‌کردن اتاق تا درست کردن صبحانه و اتوکشیدن لباس، می‌تواند به‌منزله روایت طرح‌ریزی و بیان شود. افراد با پیشینه تجربی و رفتاری متفاوت این اعمال را به‌شیوه‌های مختلفی نشان می‌دهند. با این وجود باید به این نکته توجه داشت که هر بازگویی روایت نیست، چرا که روایت توالی رخدادهاست

زبان‌شناسی شناختی به رابطه بین زبان انسان با ذهن و تجربه اجتماعی-فیزیکی می‌پردازد و سعی دارد با تمرکز بر لایه‌های شناختی زبان، پیش‌نمونه‌ها، استعاره‌ها، طرح‌واره‌ها، مدل‌ها و مفهوم‌سازی‌های زبانی به چگونگی مفهوم‌سازی‌های ذهن از جهان اطراف و پدیده‌های موجود در آن دست یابد. یکی از ارزشمندترین تلاش‌های زبان‌شناسی شناختی آنست که به‌خصوص استعاره‌ها و طرح‌واره‌ها را در گروه‌های طبقاتی، سنی، جنسیتی و غیره مورد بررسی قرار دهد تا با نگاهی تطبیقی به درک جهان‌بینی این گروه‌ها از پدیده‌های اطراف دست یابد؛ اینکه چرا مفهوم‌سازی‌های افراد در طبقات اجتماعی مختلف از پدیده‌های یکسان متفاوت است.

در جوامع پیش‌مدرن، هویت اجتماعی ناشی از ویژگی‌ها و نگرش‌هایی همچون نژاد، جنسیت و موقعیت اجتماعی والدین است (جانسون ۱، ۲۰۰۸: ۲۹۴). تئوری هویت اجتماعی تأکید می‌ورزد که شیوه‌های اندیشه و عمل آدمیان تا حدودی به گروه‌های اجتماعی بستگی دارد که به آن متعلق‌اند. اهمیت هویت جنسیتی تا جاییست که به‌عنوان مفهومی پایه‌ای در تمام تقسیم‌بندی‌های هویتی میان تمام جوامع دیده می‌شود. نگرش‌های جنسیتی رفتاری، عاطفی و زبانی، و پنداشتن آنها به‌عنوان علایم طبیعی نیز باعث تقویت کلیشه‌های هویتی جنسیتی شده است. به عبارتی، زن و مرد جنسیت را اجرا می‌کنند و جنسیت دربرگیرنده مجموعه اعمال پیچیده‌ایست که وقتی به روند تبدیل می‌شوند، به‌صورت قالب‌ها و تجربیاتی درمی‌آیند که بیانگر ماهیت مرد بودن و زن بودن می‌شوند (زیمرن و وست ۳، ۱۹۸۷: ۱۳۰).

استعاره در زمینه‌های گوناگونی نظیر شعر و ادبیات، علوم تجربی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، علوم دینی، اقتصادی و سیاست و غیره به‌کار می‌رود، زیرا ایدئولوژی‌های متفاوت در جهت نهادینه کردن باورهای بنیادین خود به‌تولید استعاره‌های متفاوت دست می‌زنند. استعاره مفهومی به‌راستی بازنمایی اندیشه‌ها و تصاویر نو و فراهم کردن واژه‌های جدید جهت شکاف واژگانی است و یک شیوه تفکر محسوب می‌شود. درواقع، استعاره منبعی ارتباطی محسوب می‌شود که سخنگو برای تقویت یادگیری پیام خود از آن استفاده می‌کند» (چارتریس بلک ۳، ۱۳۹۷: ۳۸). استعاره مفهومی

هدف اصلی این مقاله درک میزان کارایی نظریه استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های فرهنگی در تبیین فرایند مفهوم‌سازی زنانه و مردانه از جنگ است. نتایج این مقاله می‌تواند مورد استفاده زبان‌شناسان، روانشناسان و علاقه‌مندان به علوم شناختی قرار گیرد و از آنجا که تحقیق حاضر تاملی عمیق در ادبیات جنگ است دستاورد آن می‌تواند مورد استفاده جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و متخصصان ادبیات به‌طور کل و ادبیات جنگ به‌طور خاص قرار گیرد. همچنین، دستاوردهای این تحقیق می‌تواند برای فهم بهتر و ژرف‌تر سازو کار ذهن، فرایندهای مفهوم‌سازی و چگونگی تبیین تفاوت‌های شناختی-زبانی زنان و مردان از پدیده‌های مختلف اجتماعی مثل جنگ، مورد استفاده قرار بگیرد.

پیشینه

در دهه ۸۰ قرن بیستم میلادی، با معرفی نظریه استعاره مفهومی توسط لیکاف و جانسون، استعاره به‌عنوان ابزاری بنیادی برای زبان، اندیشه و جهان‌بینی معرفی گردید که در پی آن، پژوهشگران بسیاری از حوزه‌های مختلف فلسفه، زبان‌شناسی، علوم‌شناختی، ادبیات، علوم اجتماعی و دیگر علوم وابسته به‌طبقه‌بندی استعاره‌های مفهومی پرداختند. لیکاف (۱۹۹۱) با رویکردی شناختی به بررسی چگونگی شکل‌گیری و موجه‌نمایی جنگ عراق در زمان بوش پدر می‌پردازد. وی مقاله خود را با جمله "استعاره‌ها می‌توانند بکشند" آغاز می‌کند و اضافه می‌کند که درک نقش تفکر استعاری در سوق دادن ما به سوی جنگ خلیج فارس بسیار حیاتی است. او معتقدست این نظام استعاری که امری معمولی و ناگزیر است به‌شکلی ناخودآگاه بخشی از گفتمان جنگ در سطح بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. وی با اشاره به استعاره‌های زیر نشان می‌دهد چگونه این استعاره‌ها تصویرهایی برای مشروعیت بخشیدن به چیزی یا القا کردن فکری می‌سازند: جنگ سیاست است، سیاست کاسبی است (ارزیابی جنگ براساس نظام هزینه و فایده)، دستگاه حکومت شخصی منفرد است (نادیده‌انگاری تفاوت‌ها) و رفاه ثروت است (رفاه یک حکومت براساس اقتصاد یعنی سلامت اقتصادی‌اش تعریف می‌شود). افرادی چون کوچس (۲۰۱۰) به بررسی در زمانی استعاره با رویکرد تفاوت‌های فرهنگی و قومیتی پرداختند و استعاره با دیدگاهی نو محل تلاقی زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و مطالعات میان‌فرهنگی گردید.

(تولان^۱، ۲۰۰۷: ۱۶). بیان تجربیات و مفهوم‌سازی آن‌ها از مواردی است که در روایت بسیار دیده می‌شود. نکته قابل توجه اینست که در بیان روایت، هسته زبان کنار گذاشته می‌شود و روایت به‌صورت مستقل بیان می‌شود، اضافه بر آن یک موضوع را می‌توان با روایت‌های مختلفی بیان کرد. در بررسی یک روایت دو رکن اصلی آن یعنی داستان و راوی یا گوینده مورد تحلیل قرار می‌گیرند (اسدی و رنجبر، ۲۰۱۹). یکی از دغدغه‌های روایت، مفهوم‌سازی است (چارتریس بلک، ۲۰۰۴) و یکی از مهم‌ترین شیوه‌های بازنمایی این دغدغه، استعاره و طرح‌واره‌هاست که هدف اصلی این پژوهش نیز می‌باشد.

در پیوند با ادبیات داستانی، باید گفت از دل جنگی که طی ۸ سال بر ایران تحمیل شد و بیش از ۶۱ شهر این مرز و بوم را فرا گرفت ادبیات دفاع مقدس ظهور کرد. دفاع مقدس نوعی خاص از جنگ و نبرد مسلحانه است که از یکسو حالت تدافعی در مقابل تجاوز نظامی بیگانگان داشته و از سوی دیگر، مطابق با هنجارهای دینی پذیرفته شده در یک جامعه و دارای ارزش دینی و اجتماعی است. مانند جنگ به‌منظور دفاع از خویش (دفاع مشروع) در مقابل متجاوزین به دین، جان و مال و کشور و نیز به‌منظور دفاع از مظلومین عالم انجام می‌گردد؛ لذا دفاع جمهوری اسلامی ایران در تقابل با قدرت‌های استکباری از این قاعده مستثنی نیست (پیری و شربتی، ۱۳۹۲: ۱۶).

در این مقاله، برآنیم تا با استخراج انواع استعاره‌ها و طرح‌واره‌های موجود در هشت داستان با موضوع جنگ، که شامل چهار روایت مردانه و چهار روایت زنانه از جنگ ایران و عراق است، آن‌ها را به‌صورت تطبیقی با یکدیگر مقایسه کنیم و با واکاوی انواع استعاره‌ها و طرح‌واره‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌های نوع جهان‌بینی زنان و مردان را از این پدیده به تصویر بکشیم. بدین منظور، نمونه‌هایی که از ده درصد هر داستان را بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد. در این راستا، سعی می‌شود تا با به‌کارگیری نظریه لیکاف و جانسون^۲ (۱۹۸۰) چگونگی ساخت معنا و مفهوم‌سازی جنگ در این روایت‌ها توضیح داده شود. در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل محتوای کیفی به‌صورت توصیفی و تطبیقی استفاده خواهد شد. روش به‌کاررفته برای گردآوری اطلاعات تحقیق روش کتابخانه‌ای است.

می‌دهد که استعاره‌های یافت‌شده در چارچوب ارائه شده توسط لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) بیشتر از نوع ساختاری هستند. همچنین، این پژوهش بیان می‌کند که مجلات غالباً زنان را به‌عنوان بازیگر، کالا و گیاه، و مردان را به‌عنوان بازیگر، سرپرست و ارباب مفهوم‌سازی کرده‌اند. این در حالی است که افراد شرکت‌کننده در آزمون بیشتر تمایل داشته‌اند که زنان را به‌عنوان بخشی از طبیعت همچون آسمان، باران، خورشید، گیاه و فرشته و مردان را به‌عنوان بخشی از طبیعت مانند کوه، ماه و سنگ مفهوم‌سازی کنند.

فراگردی (۱۳۹۱) داده‌های خود را از ۲۰ اثر برتر جشنواره دفاع مقدس با موضوع جنگ ایران و عراق که بازه زمانی آن‌ها بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۴ می‌باشد، گردآوری کرده است و نشان داده که از ۱۱ حوزه مبدا در استعاره‌های به‌کار رفته در گفتمان جنگ استفاده شده است. در بررسی پرکاربردترین حوزه‌های مبدأ مشاهده شد که دو حوزه اعتقادی-ارزشی و حیوانات جزو پرکاربردترین حوزه‌ها می‌باشند. فراگردی بیان می‌کند که استعاره‌های «جبهه کربلا است» و «رزمندگان پرند هستند» به‌ترتیب استعاره‌های هسته حوزه‌های فوق می‌باشند. همچنین، وی معتقد است که حوزه اعتقادی-ارزشی بیشترین وابستگی فرهنگی را داراست. روحانی و ملک (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تشبیه و استعاره در شعر زنان شاعر معاصر» به این پرسش پاسخ می‌دهند که آیا برای زبان ادبی (شعر) نیز می‌توان به جنسیت قائل شد، و علاوه بر سطح آوایی، واژگانی و نحوی زبان، صور خیال مثل تشبیه و استعاره هم می‌توانند تحت تأثیر ذهنیت زنانه شاعران، نشانی از جنسیت‌گرایی داشته باشند. آن‌ها با بررسی شعر ده شاعر زن معاصر ایرانی به این نتیجه رسیده‌اند که به‌علت وجود تفاوت میان زنان و مردان از لحاظ پایگاه اجتماعی و ممیزه‌های زیست‌شناختی، زنان شاعر به‌شکل برجسته‌ای از تشبیه‌ها و استعاره‌های مربوط به جنس خود استفاده می‌کنند که این جنسیت‌گرایی بیشتر در دو رکن مشابه و مستعارمنه به چشم می‌خورد.

افق (۱۳۹۲) با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب زبان‌شناسی شناختی لیکاف و جانسون، به توصیف استعاره و انواع آن و میزان کاربرد آن در میان زنان و مردان می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش این است که در دیدگاه شناختی لیکاف و جانسون زنان و مردان از کدام نوع استعاره بیشتر استفاده می‌کنند. وی از دیالوگ‌های فیلم جدایی نادر از سیمین ۸۹ استعاره را بررسی می‌کند و درنهایت، این پژوهش به این

لینک^۱ (۲۰۱۰) می‌کوشد تا با اعمال نظریه استعاره مفهومی، تحلیل دقیقی از چگونگی تأثیرگذاری استعاره‌های جنگ در این پنج حوزه ارائه دهد. در این مقاله، استعاره‌های مفهومی «سیاست جنگ است»، «کسب و کار جنگ است»، «ورزش جنگ است»، «بیماری جنگ است» و «عشق جنگ است» مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا نشان دهند چرا اصطلاحات جنگ به‌طور گسترده‌ای برای درک حوزه‌های مختلف هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند.

صباح (۲۰۱۰) در مقاله «استعاره‌های مفهومی جنگ در گزارش‌های خبری نیویورک تایمز و دلی‌استار درخصوص تهاجم به عراق در سال ۲۰۰۳» کاربرد استعاره‌های مفهومی جنگ در ۹۰ گزارش خبری دو روزنامه فوق را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد با اینکه هر دو روزنامه یک واقعه را گزارش می‌دهند، اما به صورت‌های متفاوتی به تصویرپردازی شرکت‌کنندگان جنگ (ائتلاف، دولت صدام حسین و مردم عراق) در طول دوران قبل از جنگ، جنگ و پس‌انگیز می‌پردازند.

اسبودوا^۲ (۲۰۱۲) در پایان‌نامه‌ای با‌عنوان *استعاره‌های جنگ در تجارت/انگلیسی استعاره‌های مورد استفاده در تجارت انگلیسی* را مورد بحث قرار داده است. این پژوهشگر معتقدست تجارت همانند جنگ و مبارزه شامل استراتژی، برنامه‌ریزی، شکست و برنده شدن است، از این‌رو استعاره‌های جنگ تنها در تجزیه و تحلیل این پایان‌نامه استفاده شده‌اند و برمبنای این فرضیه که «تجارت جنگ است» و «مباحثه جنگ است»، ۱۰۰ استعاره جنگ از کتاب‌های نظری مختلف، واژه‌نامه‌هایی مانند آگسفورد، کتاب‌های درسی تجارت و مقالات انگلیسی استخراج شد تا به این سؤالات پاسخ دهد که اولاً ماهیت استعاره‌های نظامی چیست و ثانیاً، آیا استعاره‌های جنگ وابسته به فرهنگ هستند.

ابوعلی شبانی (۱۳۸۸) با استفاده از روش فرایند‌شناسایی استعاره، تعداد ۱۵۰۰ مقاله از مجلات ملی را بررسی می‌کند تا نقش جنسیت را مورد بررسی قرار دهد. همچنین، به‌منظور مشاهده چگونگی تطابق استعاره‌های مفهومی یافت شده رایج در مجموعه متون با استعاره‌های رایج در اجتماع، به ۵۰۰ نفر در گستره سنی ۲۰ الی ۲۵ سال یک آزمون تکمیل گفتمان می‌دهد. درنهایت، تحلیل کیفی و کمی داده‌ها نشان

1. S. Ling
2. L. Svobodova

اطلاعات موجود در حافظه درازمدت تداعی می‌گردند. در واقع، ماهیت و ساختار منظم این اطلاعات تعیین می‌کند که در ترکیب استعاره چه ویژگی‌هایی هدف، ناقل یا واسطه گردد» (حامدی و کاویانی، ۱۳۸۳: ۴۵).

یکی از ادعاهای کلیدی در نظریه زبان‌شناسی شناختی لیکاف و جانسون که تحت عنوان نظریه استعاره مفهومی در کتاب *استعاره‌هایی که ما با آنها زندگی می‌کنیم* (۱۹۸۰) مطرح شده است، اینست که استعاره در زبان و تفکر نقشی اساسی دارد. استعاره در زبان روزمره منعکس‌کننده این واقعیت است که ساختار ذهن بشر تا حد زیادی استعاریست، و در نتیجه، استعاره ابزاری است که ما از طریق آن جهان اطراف خود را درک می‌کنیم. همچنین، ایشان در این کتاب نشان داده‌اند که میان فرهنگ و استعاره نیز رابطه وجود دارد. به گفته کووچش (۲۰۰۶)، استعاره از بسیاری جهات با فرهنگ در ارتباط است و استعاره‌های مفهومی که در زبان بیان می‌شوند، مولفه اصلی فرهنگ به حساب می‌آیند. زبان نیز به نوبه خود شاخص مهمی برای استعاره‌های مفهومی محسوب می‌شود. استعاره‌های مفهومی نقش اصلی در درک بهتر فرهنگ و محیط اجتماعی-فرهنگی دارند چون دارای پایه تجربی هستند؛ یعنی آنها با نحوه تجربه واقعیت توسط انسان‌ها ارتباط دارند. این ویژگی را در علوم شناختی جسمیت‌یافتگی^۱ می‌نامند؛ ذهن اساساً با توجه به ماهیت خاص بدن انسان جسمیت می‌یابد. استعاره‌هایی که ما تولید می‌کنیم، تحت تأثیر تجربیات خاصی قرار دارند که ما از محیط اطراف خود کسب می‌کنیم. منظور از این محیط همان بافت اجتماعی-فرهنگی و موقعیت ارتباطی است که خاص گروه‌های معینی از افراد است.

استعاره مفهومی، در اصل، فهم و تجربه یک مفهوم انتزاعی در قالب یک تجربه و مفهوم ملموس است. لیکاف و جانسون اساس رابطه‌ای که به شکل تناظرهایی میان دو قلمروی مفهومی صورت می‌گیرد را نگاشت^۲ می‌نامند. آنها مجموعه‌ای را که دارای مفهومی عینی‌تر است، قلمرو مبدأ و قلمرو دیگر را که دارای مفاهیم انتزاعی و ذهنی‌تر است، قلمرو مقصد یا هدف می‌خوانند (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۳: ۱۸۶). بنابراین، هر استعاره مفهومی شامل قلمروی مبدأ، قلمرو مقصد و نگاشت‌های مفهومی بین این دو قلمرو است. استعاره‌های مفهومی به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته

نتیجه رسیده که خانم‌ها از استعاره‌های هستی‌شناختی بیشتر از استعاره‌های ساختاری و جهتی استفاده کرده‌اند و آقایان از استعاره‌های هستی‌شناختی و بعد از آن از جهتی و ساختاری استفاده نموده‌اند. فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش تأیید نمی‌گردند چرا که زنان و مردان در گفتار روزمره خود بیشتر از استعاره‌های هستی‌شناختی استفاده می‌کنند و از این حیث تفاوتی در کاربرد استعاری براساس جنسیت میان مردان و زنان دیده نشد.

مهربانی گلزار و خمسه اشعری (۱۳۹۵) معتقدند که یادمان‌های مرتبط با جنگ طیفی را می‌سازند که یک سوی آن واقع‌نمایی و نگاه موزه‌ای است و در سوی دیگر، نگاه انتزاعی و استعاره‌ای قرار دارد. همچنین، بیان می‌کنند که یادمان‌های جنگ که با جنبه‌های حماسی و ارزش‌های ملی متناظر هستند، باید با بیان تمثیلی و استعاره‌ای ارائه شوند.

علیزاده و روحی کیاسر (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی استعاره‌های مفهومی در شعر دفاع مقدس» در پی پاسخ به این سوال هستند که کدام مفاهیم انتزاعی و عاطفی در این نوع شعر مورد توجه شاعران قرار گرفته و آنان از چه حوزه‌های منبعی برای عینی‌سازی و تجسم این امور انتزاعی بهره برده‌اند. آنها سه استعاره *شهادت*، *عشق و ایمان* را بررسی کردند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که برای هریک از استعاره‌های فوق سه الگوی انسان‌نگاری، جسم‌نگاری و گیاه‌نگاری، بسیار مورد توجه بوده اما از الگوی جانوران‌نگاری فقط در برخی از استعاره‌های فرعی مانند شهید *پرنده/ست* استفاده شده است.

مباشری و ولی‌زاده پاشا (۱۳۹۸) اشاره می‌کنند که عرفان در ادب فارسی بسیار به حوزه جنگ تشبیه شده است، لذا به نحوه شکل‌گیری این استعاره در غزلیات مولانا و میزان تأثیرپذیری آن از سازوکار شناختی قرآن می‌پردازند. نگارندگان دریافته‌اند که استعاره «*عشق جنگ/ست*» مؤید استعاره «*عشق فنا (وصل)/ست*» می‌باشد و با حذف این استعاره از شعر فارسی (به‌ویژه در سبک عراقی)، متون عرفانی بسیار بی‌مایه خواهد شد.

چهار چوب نظری

استعاره‌ها در انتقال معنی و حسی کردن مفاهیم انتزاعی، در فرایند تکلم انسان، نقش مهمی ایفا می‌کنند. نظریه‌پردازان معاصر «استعاره را به‌صورت موضوعی در حافظه معنایی تحلیل می‌کنند؛ یعنی واژه‌های استعاری بر پایه بازیابی

1. Embodiment
2. Mapping

گروه‌های فرهنگی مختلف طرح‌واره‌های مختلفی را از یک نقش واحد در ذهن خود دارند، مثلاً تصویری که از ظاهر یک معلم، نوع برخورد و نحوه سخن گفتن او در ذهن سخنگوی زبان است.

- طرح‌واره‌های گزاره‌ای می‌توانند پایه‌ای را برای الگوهای متفاوت استدلالی و رفتاری در یک گروه فرهنگی به‌وجود آورند. طرح‌واره‌های گزاره‌ای بازتابی از فرهنگ و جهان‌بینی گویشوران یک زبان هستند.

- مفاهیم احساسی و عاطفی نیز می‌توانند نمونه‌ای از طرح‌واره‌های احساسی باشند. احساسات ماهیتاً امری اجتماعی و شناختی‌اند و زبان‌شناسی شناختی بر این باور است که مردم احساسات و عواطف را با توجه به رویدادها و موقعیت‌های مربوط به این احساسات تعریف، تبیین و درک می‌کنند.

- در طرح‌واره حجمی، انسان با قرار گرفتن در اتاق، تخت، خانه، غار و دیگر جاهایی که حکم ظرف دارند، بدن خود را مظلوفی تصور می‌کند که می‌تواند در ظرف‌های انتزاعی قرار گیرد. این طرح‌واره از تجربه انسان در زندگی روزمره خود به‌وجود آمده است.

- طرح‌واره حرکتی ناظر بر آن جنبه از نظام شناختی آدمی است که با توجه به تجربه حرکت انسان و سایر پدیده‌های متحرک، برای خود فضایی می‌آفریند که در آن می‌توان حرکت کرد.

- هر انسانی در تجربه خود از زندگی روزمره، در مواجهه با موانع، قدرت خود را می‌آزماید. طرح‌واره‌ای از این برخورد فیزیکی در ذهن انسان شکل می‌گیرد که باعث می‌شود وی این کیفیت را به پدیده‌هایی نسبت دهد که در واقع فاقد آن هستند. این طرح‌واره را طرح‌واره قدرتی می‌نامند.

تحلیل داده‌ها

داده‌های این پژوهش برگرفته از ده درصد از هشت داستان است؛ چهار داستان از نویسندگان زن و چهار داستان از نویسندگان مرد. داستان‌ها عبارت از عباس دست طلا (معراجی‌پور، ۱۳۹۱)، گلستان یازدهم (ضرابی زاده، ۱۳۹۵)، من زنده‌ام (آباد، ۱۳۹۲)، فرنگیس (فتاحی، ۱۳۹۴)، پایبی که جا ماند (حسینی‌پور، ۱۳۹۰)، آب هرگز نمی‌میرد (حسام، ۱۳۹۳)، آن بیست و سه نفر (یوسف‌زاده، ۱۳۹۳) و وقتی مهتاب گم شد (حسام، ۱۳۹۴) هستند. در ادامه به تحلیل برخی از داده‌ها پرداخته می‌شود و نوع استعاره و طرح‌واره موجود در آنها مشخص می‌شوند.

اول استعاره‌های جهتی یا وضعی هستند که به مفاهیم جهت‌گیری فضایی می‌دهند، ریشه در تجربه‌های فردی و فرهنگی ما دارند و از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت هستند. استعاره‌های هستی‌شناختی دسته دوم از استعاره‌های مفهومی را تشکیل می‌دهند که امور انتزاعی را پدیده‌های مادی به‌شمار می‌آورند. این نوع استعاره امکان دیدن مفاهیم ناملموسی مانند احساسات، فعالیت‌ها و عقاید را به مثابه یک هستی یا جوهر فراهم می‌سازد و آنها را به مثابه اشیاء، مواد و ظروف، مفهومی و تصویری می‌کند. لذا دامنه این استعاره‌ها بسیار گسترده است. دسته سوم نیز استعاره‌های ساختاری هستند که به سامان‌دهی یک مفهوم در چارچوب مفهومی دیگر می‌پردازد.

اگر فرهنگ را "دانش و طرح‌واره‌های مشترکی که مجموعه‌ای از افراد برای درک، تفسیر، بیان و واکنش نسبت به واقعیت‌های اجتماعی-فرهنگی آن‌ها را خلق می‌کنند" (لدراک^۱، ۱۹۹۵: ۹-۱۰) در نظر بگیریم، این دانش و طرح‌واره‌های مشترک را می‌توان با توجه به مفهوم‌سازی‌های مشترکی که حاصل بازنمایی‌های جمعی هستند توضیح داد. برای درک چگونگی مفهوم‌سازی‌های زبانی علاوه بر توجه به استعاره‌های مفهومی باید به این نکته مهم توجه داشت که هر استعاره بر مبنای یک طرح‌واره شکل می‌گیرد و در واقع، برای فهم استعاره‌های مفهومی باید طرح‌واره‌ای که در زیربنای هر استعاره مفهومی قرار دارد را بازشناخت. طرح‌واره‌ها به افراد کمک می‌کنند تا به واقعیت چند لایه‌ای که آنها را احاطه کرده معنا بدهند. زبان‌شناسان معتقدند در زیرساخت همه استعاره‌ها، طرح‌واره‌ای نهفته است و در واقع، این طرح‌واره‌ها هستند که مولد استعاره‌های زبانی و غیرزبانی‌اند. طرح‌واره‌ها نیز انواعی دارند که به تفصیل در زیر معرفی می‌شوند.

- طرح‌واره‌های رویدادی از تجربه ما در رویدادهای معین انتزاع می‌شوند. در ذهن افراد یک جامعه معمولاً طرح‌واره‌های کم و بیش مشابهی از یک رویداد وجود دارد، مثلاً در مراسم ختم رویدادهایی مثل شیون و زاری، لباس سیاه، نماز میت، و غیره طرح‌واره‌هایی هستند که از نوع نگرش و فرهنگ ایرانی نشأت می‌گیرند.

- طرح‌واره‌های نقشی در بردارنده دانشی از تفاوت ویژگی‌هایی مانند طرز لباس پوشیدن، سن، شیوه تکلم و سطح و غیره هستند که با نقش‌ها متداعی می‌شوند. افراد در

راوی دولابی را که روستایی نزدیک روستای اوست در نقش خانه و موطن خویش می‌بیند و در آنجا سکنی می‌گزیند. این اعطای نقش خانه به جایی که واقعا خانه فرد نیست به وسیله طرح‌واره نقشی صورت گرفته است. در اینجا مفهوم موطن با به-کارگیری مفهوم خانه و از طریق استعاره ساختاری ممکن شده است.

جدول ۴. نگاشت مثال ۴

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
موطن	←	خانه

۵) توی دلمان قند آب کنیم. (عباس دست‌طلا: ۴۸)
احساس شادی و شوق برای چیزی به در دل قند آب کردن تشبیه شده پس طرح‌واره احساسی در قالب استعاره هستی‌شناختی به تصویر درآمده است.

جدول ۵. نگاشت مثال ۵

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
شادی و شور	←	در دل قند آب کردن

۶) پس تکلیف مسلمانی چه می‌شود؟ (عباس دست‌طلا: ۸۸)
تکلیف مسلمانی اشاره به فرهنگ و تفکر اسلامی درباره وحدت و رابطه مسلمانان با هم دارد. در این نوع تفکر، مسلمانان با هم خواهر و برادرند و در همه صحنه‌ها باید به کمک هم بشتابند و یکدیگر را تنها نگذارند. در نتیجه، این طرح‌واره گزاره‌ای است. استعاره نیز ساختاری است. در واقع، رابطه مسلمانان به مثابه تکلیف و وظیفه‌ای برای آنهاست که در قبال آن مسئولند.

جدول ۶. نگاشت مثال ۶

حوزه مقصد	نگاشت	حوزه مقصد
رابطه و وظیفه مسلمانان	←	تکلیف مسلمانی

۷) مطالب دینی زهرا چاشنی تند سیاسی داشت. (من زنده‌ام: ۸۰)

نقش و کاربرد مطالب دینی زهرا، از این جهت که می‌تواند برای برخی ناخوشایند باشد (به مذاق برخی خوش نیاید) به چاشنی تند تشبیه شده، پس طرح‌واره نقشی است. همچنین، از آنجا که اثر این مطالب که مفهوم انتزاعی است به چاشنی تند که مفهومی ملموس است تعبیر شده است، استعاره هستی‌شناختی مورد نظر است.

۱) از در و دیوارش خاک می‌بارید. (گلستان یازدهم، ص ۲۰)
در مثال (۱)، حجم زیاد خاک و اینکه همه‌جا خاک‌آلود بوده و به اصطلاح از دیوارها خاک می‌بارید به بارش باران تشبیه شده است. استعاره ساختاری در این مثال از مفهوم ریختن خاک از در و دیوار خانه به خاطر آنکه تازه ساخته شده است، تصویری شبیه بارش باران به دست می‌دهد که همین نشان‌دهنده آنست که در ذهن ما تصویری از رویدادهایی ثابت را بازنمایی می‌کند. استعاره موجود در این مثال از نوع ساختاری و طرح‌واره آن از نوع رویدادی است.

جدول ۱. نگاشت مثال ۱

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
بارش	←	ریزش خاک

۲) مگر به استقبال مرگ سرخ نرفته بودیم. (گلستان یازدهم: ۲۱۴)

مرگ سرخ استعاره از شهادت است؛ تصویری از رویدادهای مربوط به شهادت و اینکه رزمندگان با اشتیاق به استقبال آن می‌روند که جهان‌بینی، شیوه تفکر و ایدئولوژی ایرانی را نسبت به جهاد نشان می‌دهد. پس می‌توان هم به طرح‌واره رویدادی و هم گزاره‌ای قائل شد. استعاره به کار رفته نیز از نوع ساختاری است زیرا مفهومی را در قالب مفهوم دیگر بیان کرده است.

جدول ۲. نگاشت مثال ۲

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
شهادت	←	مرگ سرخ در (خون)

۳) رودخانه از بالا مثل ماری بود که می‌خزید و می‌رفت. (فرنگیس: ۱۴۷)

مفهوم رودخانه در قالب مفهوم مار از لحاظ تشابه پیچش بازنمایی شده است. استعاره ساختاری به صورت‌بندی این مفهوم پرداخته است. طرح‌واره موجود حرکتی است چون به حرکت پیچش مثل مار رودخانه اشاره دارد.

جدول ۳. نگاشت مثال ۳

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
حرکت رود	←	پیچش مار

۴) فکر نمی‌کردم یک روز دولابی خانه‌ام شود. (فرنگیس: ۱۴۷)

جدول ۷. نگاشت مثال ۷

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
تأثیر تند مطالب دینی و سیاسی	←	چاشنی تند سیاسی

(۸) با صدای پی در پی خمپاره‌ها گوش شهر را پر کرد. (من زنده‌ام: ۱۲۰)

در این جمله، گوش به شهر نسبت داده شده است، یعنی به یک جسم بی‌جان ویژگی جاننداری داده شده است، لذا استعاره هستی‌شناختی است. طرح‌واره نیز حجمی است، زیرا گوش شهر به مثابه فضایی است که با صدای خمپاره پر می‌شود. صدای خمپاره نیز مفهومی انتزاعی است که در قالب چیزی ملموس قرار گرفته است که فضایی را پر می‌کند.

جدول ۸. نگاشت مثال ۸

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
ویژگی جاندار	←	گوش شهر

(۹) تو داری به سرزمین جهاد و شهادت نزدیک می‌شی. (آن بیست و سه نفر: ۶۴)

جعبه‌های نبرد به سرزمینی تشبیه شده که کشته‌شدگان آن شهیدان هستند و این نبرد جهادی در راه حق است. تمام آنچه در این جعبه می‌بینیم استعاره‌ای ساختاری است که همزمان دو طرح‌واره گزاره‌ای و رویدادی را با هم در ذهن فعال می‌کند؛ طرح‌واره گزاره‌ای است چون به فرهنگ، نوع تفکر و جهان‌بینی دینی ما اشاره دارد و طرح‌واره رویدادی است چون تصویر وقایعی که در جنگ روی می‌دهند، مثلاً شهادت، را به ما نشان می‌دهد.

جدول ۹. نگاشت مثال ۹

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
سرزمین‌هایی که جنگ حق علیه باطل در آن روی می‌دهد	←	سرزمین شهادت و جهاد

(۱۰) هوای اهواز به سرم زد و بامیه خوردن لب کارون. (آن بیست و سه نفر: ۸۴)

هوای... به سر زدن استعاره از دلتنگ چیزی یا جایی شدن است. راوی در این استعاره ساختاری مفهومی را در قالب مفهوم دیگری ساماندهی کرده است و احساس راوی را نسبت به اهواز و رویدادهایی که در آنجا رخ می‌دهد بیان می‌کند. پس می‌توان برای این استعاره، به طرح‌واره احساسی قائل شد.

جدول ۱۰. نگاشت مثال ۱۰

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
دلتنگ شدن	←	هوا به سر زدن

(۱۱) باورش در گام نخست دور از معاملات عقلی بود. (آب هرگز نمی‌میرد: ۱۷۵)

در این جمله، باور کردن چیزی به معامله عقلی تشبیه شده است. گویی باور نوعی معامله است که عقل برای پذیرش چیزی دست به آن می‌زند. این طرح‌واره نقشی است و اشاره به ویژگی معامله دارد که نوعی دادوستد در آن شکل می‌گیرد. استعاره هستی‌شناختی است زیرا از مفهوم انتزاعی به ملموس تعبیر کرده است.

جدول ۱۱. نگاشت مثال ۱۱

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
باور کردن	←	معامله عقلی

(۱۲) شلمچه از تب و تاب تک و پاتک افتاده (آب هرگز نمی‌میرد: ۶۰۹)

تب و تاب تک و پاتک بر حرکت و جنبش تأکید دارد. تحرکات نظامی به تب و تاب تعبیر شده‌اند، پس طرح‌واره حرکتی است. استعاره نیز ساختاری است زیرا مفهومی در قالب مفهوم دیگر ساماندهی شده است.

جدول ۱۲. نگاشت مثال ۱۲

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
تحرکات نظامی	←	تب و تاب تک و پاتک

(۱۳) خبر خوبی در راه است. (وقتی مهتاب گم شد: ۲۹۵)

در راه بودن مفهومی حرکتی است که ویژگی جاننداری دارد، اما خبر یک مفهوم انتزاعی است. پس استعاره هستی‌شناختی و طرح‌واره حرکتی است.

جدول ۱۳. نگاشت مثال ۱۳

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
مسیر	←	در راه

(۱۴) هرچه مایه استحکام سنگرها می‌شد از شکم ویرانه‌ها بیرون می‌کشیدیم. (وقتی مهتاب گم شد: ۹۵)

درون یا زیر ویرانه‌ها به شکم تشبیه شده است. درون که

مفاهیم انتزاعی در آن‌هاست. بر این اساس می‌توان گفت زنان توانایی بهتری در ذهنی‌سازی و مفهوم‌سازی ذهنی و غیرملموس دارند.

بیشترین تعداد طرح‌واره‌ها در آثار زنان در استعاره هستی‌شناختی، احساسی و در استعاره ساختاری و جهت‌ی، رویدادی بود. بالاترین تعداد البته مربوط به طرح‌واره رویدادی در استعاره ساختاری می‌باشد و کمترین تعداد نیز در استعاره هستی‌شناختی و ساختاری، حجمی و در استعاره جهت‌ی گزاره‌ای است. این در حالی است که در مردان در هر سه نوع استعاره، بالاترین تعداد مربوط به طرح‌واره رویدادی بود. گویی مردان در به تصویر کشیدن رویدادها و مفاهیم مربوط به آن مهارت بهتری دارند. کمترین درصد طرح‌واره‌ها نیز در استعاره هستی‌شناختی و ساختاری مربوط به طرح‌واره حجمی و در استعاره جهت‌ی مربوط به طرح‌واره احساسی بود.

برای مقایسه بهتر و دقیق‌تر نتایج دو جدول در زیر ارائه شده که فراوانی استعاره‌ها و طرح‌واره‌ها را در آثار زنان و مردان به صورت درصدی ارائه کرده است (میانگین کاربرد هر استعاره و طرح‌واره به صورت درصدی و میانگین کل هر نوع استعاره ذکر شده است).

جدول ۱۷. کاربرد استعاره و طرح‌واره‌ها در آثار زنان

جهتی	ساختاری	هستی‌شناختی	حجمی
۱/۶۸	۱/۱	۲/۹۷	
۱/۵۶	۳/۶۲	۷/۸۵	
۰/۱۴۷	۲/۵۴	۳/۲۲	
۲/۲۹	۱۵/۰۷	۱۰/۳۳	
۰/۶۲	۸/۴۳	۷	
۰/۳۶	۱۰/۱۹	۶/۳۱	
۱/۸۵	۲/۵۷	۱۰/۴۹	
۸/۳۶	۴۳/۵۲	۴۸/۱۱	

جدول ۱۸. کاربرد استعاره و طرح‌واره‌ها در آثار مردان

جهتی	ساختاری	هستی‌شناختی	حجمی
۲/۰۰۹	۱/۴۳	۱/۴۵	
۱/۸۴	۶/۲۲	۵/۳	
۲/۷	۵/۸۶	۲/۷۳	
۲/۵۱	۱۹/۸۱	۱۰/۱۴	
۱/۵۸	۹/۵۴	۵/۱۰	
۰/۳۸	۱۱/۰۱	۲/۶۷	
۰/۲۹	۳/۹۴	۵/۴۲	
۱۱/۵۸	۵۵/۶۷	۳۲/۷۵	

مفهومی فضایی و جهت‌ی است به بخشی از بدن جاندار تشبیه شده است که ملموس است پس استعاره جهت‌ی است. تصویری که این استعاره در ذهن ایجاد می‌کند، رویدادی شبیه *زایمان* و به وجود آوردن است. طرح‌واره رویدادی این تصویرسازی را ممکن کرده است.

جدول ۱۴. نگاشت مثال ۱۴

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
درون	←	شکم

(۱۵) روح بلندی داشت. (پایی که جا ماند: ۳۱)

بلند مفهومی جهت‌ی است که اشاره به عظمت و بزرگی روح فرد دارد. این استعاره جهت‌ی با استفاده از طرح‌واره نقشی که به شخصیت *والای* فرد مذکور اشاره دارد شکل گرفته است.

جدول ۱۵. نگاشت مثال ۱۵

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
دارای شخصیت والا	←	داشتن روح بلند

(۱۶) من از مقامات بالا می‌خوام آزادش کنن. (پایی که جا ماند: ۴۷۱)

مفهوم *بالا* جهت‌ی است و اشاره به رده‌های *ارشد نظامی* یا *مقامات ارشدتر* دارد، یعنی نقش مقام را نمایش می‌دهد. پس استعاره جهت‌ی و طرح‌واره نقشی است.

جدول ۱۶. نگاشت مثال ۱۶

حوزه مبدأ	نگاشت	حوزه مقصد
رده‌ارشدنظامی	←	مقام بالا

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از داستان‌ها، در آثار نویسندگان زن بیشترین تعداد مربوط به استعاره هستی‌شناختی و کمترین مربوط به استعاره جهت‌ی بود. در آثار راویان مرد بیشترین تعداد استعاره‌ها ساختاری و کمترین آنها جهت‌ی بود. همانطور که در معرفی نظریه بیان شد، استعاره هستی‌شناختی به صورت‌بندی مفهومی انتزاعی در قالب مفهومی ملموس می‌پردازد، در حالی که استعاره ساختاری تنها مفهومی را در قالب مفهومی دیگر بیان می‌کند. این تفاوت در به‌کارگیری نوع استعاره در زنان نسبت به مردان حاکی از نوع‌نگرش آن‌ها و توانایی و یا تمایل بیشتر در به عینیت درآوردن

در روایت‌های زنانه، استعاره هستی‌شناختی که با طرح‌واره حجمی ایجاد شده تقریباً دو برابر روایت‌های مردانه است که این برتری کاربرد به تجربه‌های زیستی انسان در زندگی روزمره اشاره دارد. همانطور که در بخش نظریه بیان شد، تجربه‌های زیستی روزمره، اگرچه انتزعی است می‌تواند درون حجم یا ظرفی تصور شود. همچنین، استعاره‌های هستی‌شناختی که با استفاده از طرح‌واره حرکتی رقم خورده‌اند، در زنان نسبت به مردان بیشتر مشاهده شده که این برتری هم به نظام شناختی انسان اشاره دارد، یعنی می‌توان چنین متصور شد که تجربه حرکت و آفرینش فضای انتزاعی متحرک یا فضایی که بتوان در آن حرکت کرد در زنان نسبت به مردان بیشتر است. طرح‌واره نقشی، یعنی استفاده از مفهومی برای قائل شدن به نقشی برای چیزی با ماهیت متفاوت، در زنان نسبت به مردان بیشتر بوده است. همانطور که پیشتر در بخش نظریه بیان شد، طرح‌واره گزاره‌ای که ارتباط بین مدل‌های فکری و رفتاری را مشخص می‌کند و می‌تواند پایه الگوهای استدلالی و رفتاری گروه‌های فکری و فرهنگی، نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی گویشوران و نیز نوع تفکر آنها باشد، در زنان بسیار بارزتر از مردان است.

مقایسه دو جدول فوق نشان می‌دهد که زنان استعاره هستی‌شناختی که با طرح‌واره احساسی ایجاد شده را تقریباً دو برابر مردان به کار گرفته‌اند. عواطف و احساسات پیکره پیچیده‌ای از تصورات هدفمند ذهنی هستند. از آنجا که احساسات ماهیتی اجتماعی-شناختی دارند و افراد احساسات را با توجه به رویدادها و موقعیت‌های مربوط به این احساسات درک و تعریف می‌کنند، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد: اینکه زنان در روایت‌هایشان طرح‌واره احساسی را در قالب استعاره هستی‌شناختی بیشتر به کار گرفته‌اند، نشان‌دهنده آن است که بیان و برون‌ریزی احساسات در زنان بسیار بیشتر از مردان است. در استعاره جهتی نیز، میزان به‌کارگیری طرح‌واره احساسی در زنان نسبت به مردان درصد بالاتری دارد که این مسئله باز هم بر درک و تعریف احساسات زنان در رویدادها و موقعیت‌های مختلف اشاره دارد. این در حالی است که با مقایسه استعاره ساختاری در آثار زنان و مردان مشاهده شد فراوانی و میزان کاربرد انواع طرح‌واره‌ها در آثار زنان نسبت به آثار مردان برتری نداشت.

در روایت‌های مردانه، مردان در استعاره هستی‌شناختی،


در هیچ یک از موارد کاربرد طرح‌واره‌ها، نسبت به زنان برتری نداشتند که این خود بر این مسئله اشاره دارد که احتمالاً زنان در درک مفاهیم نامحسوس، احساسات، عقاید و افکار نسبت به مردان برتری دارند. اما در نوع ساختاری، تفاوت‌های فاحشی در سه نوع طرح‌واره حرکتی، قدرتی و رویدادی مشاهده شد. در استعاره ساختاری که با طرح‌واره حرکتی به تصویر درآمده بود، میزان کاربرد مردان نسبت به زنان، برتری حدوداً دو برابری داشت که این خود گواهی بر آن است که مردان در مسائل مربوط به تجربه‌های حرکتی که غیرملموس نیستند، تصویر ذهنی شفاف‌تری را بروز می‌دهند. همچنین در استعاره ساختاری با طرح‌واره قدرتی نیز، مردان دو برابر زنان این طرح‌واره را به کار بسته‌اند که این میزان کاربرد نشان‌دهنده آن است که مردان در تجربه‌های زیستی خود نسبت به زنان، مواجهه با موانع فیزیکی زندگی و زورآزمایی با قدرت‌ها و نیروها را بیشتر درک و تجربه کرده‌اند. گویا تجربه تلاش و مبارزه فیزیکی آنها نسبت به زنان بسیار بالاتر بوده است. به‌کارگیری طرح‌واره رویدادی در مردان نسبت به زنان به نسبتاً (حدود ۳۰٪) بالاتر بوده است که این از تجربه و درک این رویدادها در مردان سرچشمه می‌گیرد. در استعاره جهتی نیز طرح‌واره قدرتی همچنان پیش‌رو و چندین برابر است که باز هم این تفاوت بر تجربه تلاش و مبارزه مردان نسبت به زنان اشاره دارد. آخرین تفاوتی که در کاربرد مردان نسبت به زنان مشاهده شد میزان کاربرد طرح‌واره نقشی در استعاره جهتی بود که بر تجربه‌های فردی و فرهنگی متفاوت این دو گروه تأکید دارد. این برتری حدوداً سه برابری کاربرد در مردان نسبت به زنان، نشان از آنست که مردان این نوع طرح‌واره را که اشاره به کاربرد نقش‌های چیزی به جای چیز دیگر و بازنمایی آن در قالب مفاهیم جهتی دارد بهتر و روشن‌تر بیان می‌کنند.

پس از بررسی و تحلیل داده‌ها مشاهده شد که معنای جنگ در زنان بیشتر با مفاهیم احساسی-عاطفی، دفاع از وطن به‌طور جزء و مفاهیم و ایدئولوژی‌های فکری و نوع جهان‌بینی که نشان از نوع احساسات زنان نسبت به جنگ، خانواده و وطن می‌باشد گره خورده است. همچنین، در مردان این مفهوم بیشتر با مبارزه با موانع که در اینجا نیروی متجاوز، برتری‌جویی، به‌تصویر کشیدن صحنه‌های جنگ و حرکت و پیشروی به سمت هدف که همان پیروزی می‌باشد گره خورده است.

منابع

- ابوعلی شبانی، محبوبه (۱۳۸۸). *استعاره‌های مفهومی و جنسیت در بافت ایرانی: یک رویکرد زیاتشناسی شناختی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه ایلام.
- اسدی، مهتاب. و رنجبر، محمود (۲۰۱۹). بررسی الگوی روایی زمان در نمایش‌نامه عکس عروسکی. *زبان پژوهی*، شماره ۱۱ (۳۱)، صص ۲۷-۷.
- افق، شیدا (۱۳۹۲). بررسی استعاره در گفتار روزمره زنان و مردان در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی. پایان‌نامه دکتری تخصصی زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، پژوهشکده زبان‌شناسی.
- آباد، معصومه (۱۳۹۲). *من زنده‌ام: خاطرات دوران اسارت*. تهران: بروج.
- پیری، هادی و شربتی، مجتبی (۱۳۹۵). آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس. تهران: سمت.
- تولان، مایکل (۱۳۸۶). *روایت‌شناسی، درآمدی زبان شناختی-انتقادی*. مترجم: علوی، فاطمه. و نعمتی، فاطمه. تهران، سمت.
- چاتریس بلک، جاناتان (۱۳۹۷). تحلیل انتقادی استعاره. ترجمه یکتا پناه‌پور. قم: لوگوس.
- چاتریس بلک، جاناتان (۱۳۹۸). *تحلیل انتقادی استعاره: رویکردی شناختی-پیکره‌ای*. مترجم: پناه‌پور، یکتا. قم: نشر لوگوس.
- حامدی، رباب و کاویانی، حسین (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین استعاره‌ها و خلق افسرده. تهران: نشریه تازه‌های علوم شناختی، (پیاپی ۲۲)، بهار و تابستان ۱۳۸۳. شماره ۱-۲ حسام، حمید (۱۳۹۳). آب هرگز نمی‌میرد: خاطرات جانباز میرزا محمد سلگی. تهران: نشر صریر.
- حسام، حمید (۱۳۹۴). وقتی مهتاب گم شد: خاطرات علی خوش لفظ. تهران: انتشارات سوره مهر.
- حسینی‌پور، سید ناصر (۱۳۹۰). پایایی که جا ماند: یادداشت‌های روزانه سید ناصر حسینی‌پور از زندان‌های مخفی عراق. تهران: انتشارات سوره مهر.
- روحانی، مسعود و ملک، سروناز (۱۳۹۲). بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تشبیه و استعاره در شعر زنان شاعر معاصر. *زبان و ادبیات فارسی* (دانشگاه خوارزمی)، سال ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۹ (پیاپی ۷۴)، صص ۲۷-۷.
- ضرابی‌زاده، بهناز (۱۳۹۵). گلستان یازدهم: خاطرات زهرا پناهی‌روا. تهران: انتشارات سوره مهر.
- علیزاده، ناصر و روحی‌کیاسر، اعظم (۱۳۹۷). استعاره‌های مفهومی در شعر دفاع مقدس. *ادبیات پایداری* (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، دوره ۱۰ (۱۸)، صص ۲۴۷-۲۶۵.
- فتاحی، مهناز (۱۳۹۴). *فرنگیس: خاطرات فرنگیس حیدرپور*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- فراگردی، عصمت (۱۳۹۱). بررسی استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی در ادبیات داستانی جنگ ایران و عراق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه فردوسی مشهد، پژوهشکده ادبیات.
- مباشری، محبوبه و ولی‌زاده پاشا، لیلا (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی استعاره مفهومی «عشق جنگ است» در مفهوم سازی فنا در دیوان شمس و قرآن، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی: ش ۷، شماره ۱، ۱۷۹-۲۲۱.
- معرافی‌پور، محبوبه (۱۳۹۱). عباس دست طلا: داستانی از زندگی حاج عباس‌علی باقری. تهران: انتشارات فاتحان.
- مهربانی‌گلزار، محمدرضا و خمسه‌عسری، علی‌اکبر (۱۳۹۵). *منظر یادمانی جنگ: از واقع‌نمایی تا استعاره*. مجله منظر بهار، دوره ۸، شماره ۳۴، صص ۶۸-۸۱.
- یوسف‌زاده، احمد (۱۳۹۳). آن بیست و سه نفر. تهران: انتشارات سوره مهر.
- Charteris Black, J. (2004). *Corpus approaches to critical metaphor analysis*. Palgrave Macmillan.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London: Longman.
- Kövecses, Z. (2006). *Language, culture, and mind: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor*. Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1991) *Metaphor and war: The metaphor reason used to justify war In the Gulf*. *Canadian Mennonite University*. 23 (3/2), 25-32).
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. University of Chicago Press.
- Lederach, J.P. (1995) *Preparing for peace:*

- Conflict transformation across cultures, Syracuse*. NY: Syracuse University Press.
- Ling, S. (2010). *A cognitive study of war metaphors in five main areas of everyday English: Politics, business, sport, disease and love*. School of Teacher Education, Kristianstad University. Retrieved online from <http://www.diva-portal.org/smash/get/diva2:397473/FULLTEXT01.pdf>
- Sabbah, F. (2010). *Conceptual metaphors of war in news reports covering the 2003 invasion of Iraq by The New York Times and The Daily Star*. Lancaster: Lancaster University. Retrieved online from: www.lancaster.ac.uk/fass/events/laelpgconference/papers/v05/Sabbah.pdf
- Svobodová, L. (2012). *Metaphors of war in business English*. Bachelor's Diploma Thesis. Masaryk University.
- Zimmerman, D.H., & West, C. (1975). Sex roles interruptions in conversations. In B. Thorne & N. Henley (Eds). *Language and Sea: Difference and Dominica* (pp.105-129), Rowley, Mass: Newbury House.

	<p>COPYRIGHTS © 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0)</p>
---	--